

دکتر کنت متیوز، سفر پیدایش، جلسه ۸ نوح و طوفان، بخش ۲، پیدایش ۹:۶-۹:۲۹

کنت متیوز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر کنت متیوز در حال تدریس در مورد کتاب پیدایش است. این جلسه هشتم، نوح و طوفان، بخش دوم، پیدایش ۹:۶-۹:۲۹ است.

جلسه هشتم، دوباره، نوح و طوفان، بخش دوم است.

این نیمه دوم داستان طوفان است، جایی که شما قربانگاه و وعده خدا را هنگام پیاده شدن دارید، و در فصل هشتم می‌بینیم که نوح یک قربانگاه ساخت، آیه ۲۰، و در آن زمان، و مطمئناً منطقی است، مگر نه، پس از چنین عمل نجات‌بخشی، او خداوند را پرستش می‌کند و از خداوند برای حفظ [زمین] شکرگزاری می‌کند. نکته مهم این است که آیه ۲۱ از وعده خدا صحبت می‌کند: دیگر هرگز زمین را به خاطر بشریت نفرین نخواهم کرد، حتی اگر هر تمایل قلب او از کودکی شر باشد، و دیگر هرگز همه موجودات زنده را مانند آنچه انجام داده‌ام، نابود نخواهم کرد. تا زمانی که زمین پابرجاست، زمان کاشت و برداشت، سرما و گرما، تابستان و زمستان، روز و شب هرگز متوقف نخواهد شد.

بنابراین، ما در اینجا دو ویژگی داریم. یکی اینکه خداوند دیگر جهان را با آب نابود نخواهد کرد، و همچنین اینکه فصل‌ها قابل پیش‌بینی‌تر و پربرتر خواهند بود. چیزی که برای ما مهم است، می‌توانیم لحظه‌ای به آن نگاه کنیم، جایی که از چگونگی شرارت هر تمایل، هر تخیل، قلب او از کودکی صحبت می‌کند، که ما را به یاد فصل ششم، آیات چهار تا هشت می‌اندازد، مگر نه؟ جایی که گناه مردم خشن در برابر کشتی نوح و علت ساخت کشتی نوح را توصیف می‌کند.

و بنابراین، در اینجا ادعایی وجود دارد که بشریت به سوی شرارت خواهد رفت، و همانطور که جان کالوین گفت، اگر خدا این وعده را نمی‌داد، هر روز باید سیل می‌آمد، زیرا بشریت، در نتیجه طبیعت انسانی خود، به شرارت گرایش دارد و گناهکاری را پیشه می‌کند. با این وجود، خدا در فصل نهم تصمیم می‌گیرد که برکت را ادامه دهد، و می‌توانید در آیه اول و دوباره در آیه هفتم فصل نهم، تکرار برکتی را که خدا به آدم و حوا می‌دهد، ببینید. آیه اول می‌گوید، پس خدا نوح و پسرانش را برکت دهد، بارور و کثیر شوند و زمین را پر کنند.

بنابراین، در برکت، تولید مثل آدم وجود دارد. حال، وقتی صحبت از اعمال حکومت بر کره خاکی خلقت خدا می‌شود، توجه کنید که در آیه دوم، آغاز تدبیری از سوی خدا برای محافظت از زندگی انسان را داریم. مورد اول، ترس ذاتی از حیوانات است و ما این را از جانب حیوانات نسبت به بشریت می‌بینیم.

ترس و وحشت شما بر همه حیوانات زمین و همه پرندگان آسمان، بر هر موجودی که بر روی زمین حرکت می‌کند و بر همه ماهیان دریا خواهد افتاد. آنها به دست شما سپرده شده‌اند. بنابراین، آن تدبیر در ذهن او وقتی به رژیم غذایی که قرار است خانواده جدید بشر را پس از طوفان حفظ کند، می‌رسد، تقویت می‌شود؛ این شامل همه و همه می‌شود، هیچ ممنوعیتی وجود ندارد.

با این حال، وقتی صحبت از دنیای حیوانات و خوردن گوشت می‌شود، در آیه چهارم، ممنوعیتی در مورد خون حیات‌بخش وجود دارد زیرا خون نماد زندگی است. چیزی که این متن در اینجا به ما می‌آموزد این است که به ما می‌آموزد که خدا کسی است که زندگی و مرگ را تعیین می‌کند، و این ممنوعیتی است علیه سوءاستفاده و بهره‌برداری بی‌مورد بشر از زندگی حیوانات به شیوه‌ای بی‌رحمانه و بدون احترام به خدا به عنوان خالق. این امتیاز اوست که بر زندگی و مرگ تسلط دارد، نه بر بشریت.

تنها از طریق تفویض اختیار است که می‌توانیم بشریت را در موقعیتی بیابیم که با زندگی بشر سروکار داشته باشد. بنابراین، در آیات چهارم تا ششم، توصیفی از چگونگی مسئولیت زندگی بشر در قبال خدا در قبال نحوه برخورد با زندگی بشر می‌یابیم. بنابراین، این محافظتی در برابر نوع خشونتی است که قبل از طوفان نوح به طور گسترده در بشریت رواج داشت.

و بنابراین، این محافظت در برابر قاتلان است. به طور خاص، ما می‌خواهیم به آیه ششم، هر کسی که خون بشریت را بریزد، نگاه کنیم. آن زبان، ریختن خون یا خونریزی، زبانی برای قتل است.

هر که خون انسان را به دست انسان بریزد، خونش ریخته خواهد شد، زیرا خدا انسان را به صورت خدا آفریده است. بنابراین، می‌توانید ببینید که انگیزه مجازات اعدام در اینجا، نوعی واکنش اجتماعی به ریختن خون، ریشه در الهیات خلقت، یعنی صورت خدا دارد. بنابراین، اساس، طبقه اجتماعی، وزن مالی یا جایگاه اجتماعی، یا قومیت نیست، بلکه انسانی که جان انسان دیگری را می‌گیرد، خود را در معرض شدیدترین واکنش از سوی بشریت قرار داده است، همانطور که خدا در اینجا به او محول کرده است.

حال، وقتی به آیات هشتم تا یازدهم می‌پردازیم، جزئیات عهد را داریم. در آیات هشتم تا یازدهم متوجه خواهید شد که وقتی صحبت از اول شخص می‌شود، بسیار تکرار می‌شود. و در واقع، این موضوع در مورد بقیه توصیف عهد نیز صادق است.

بارها و بارها، خواهید دید که خدا گوینده است و می‌گوید، من، من، این، و من آن، و کاملاً روشن می‌کند که خدا، دوباره، با حاکمیت خود، قول داده است که با نوح و نوادگان نوح و به همین ترتیب، با همه موجودات زنده عهد ببندد. بنابراین، این در دامنه خود جهانی است. من اکنون عهد خود را برقرار می‌کنم.

این آیات هشت و نه است. بیایید آیه نه را بخوانیم. اکنون عهد خود را با تو و با فرزندان پس از تو استوار می‌کنم.

بنابراین، این مربوط به نوح و فرزندان اوست. من فکر می‌کنم این یک ویژگی مهم در تشخیص این تأکید بر شما و فرزندانان در کتاب پیدایش است. این در مورد ابراهیم صادق خواهد بود، عهدی که خدا با ابراهیم در فرزندانش می‌بندد، اما در خود باغ عدن، از فرزندان زن صحبت می‌کند و اینکه چگونه وعده‌ای که به زن داده می‌شود، وعده‌ای برای تمام بشریت خواهد بود.

البته این انگیزه‌ای برای توضیح این است که چرا در فصل سوم، آیه ۲۰، آدم همسرش را حوا نامگذاری می‌کند و دلیل این امر را مشخص می‌کند. او مادر همه زندگان است. شجره‌نامه‌ها همچنین از میراث انسانی و چگونگی نظارت خداوند بر جریان تاریخ از طریق تداوم در تصویر خدا از فردی به فرد دیگر و همچنین برکت اراده خداوند برای همه بشریت بدون اشاره مجدد به طبقه یا قومیت صحبت می‌کنند.

نعمت‌ها و نفرین‌های خداوند همگی به رفتار مربوط می‌شوند و این در اراده‌ی انسان است. شما با سرنوشتی که به سوی یک رفتار خاص متولد نشده‌اید. شما در مورد رفتار خود انتخاب می‌کنید.

و سپس، همانطور که گفتم، با اشاره به همه موجودات زنده، با اشاره به آنچه در پیدایش فصل اول، آیه می‌یابیم، عهد خود را با شما استوار می‌کنم. دیگر هرگز تمام حیات توسط آب‌های طوفان نابود نخواهد شد. دیگر هرگز طوفانی نخواهد بود که زمین را ویران کند.

بنابراین، همه نسل‌های آینده این وعده را دریافت خواهند کرد، و این وعده‌ای است که ما آن را ابدی می‌دانیم. سپس در فصل نهم، آیات ۱۲ تا ۱۷، در اینجا می‌بینیم که نشان عهد توصیف شده است. نشان عهد، کمان است.

این کلمه در واقع رنگین‌کمان نیست، بلکه کمائی شبیه تیر و کمان است. معمولاً در عهد و پیمان‌ها نشانه وجود دارد. ما متوجه می‌شویم که این مورد در مورد ابراهیم و عهدی که با او در پیدایش ۱۷ بسته شد، یعنی ختنه، صدق می‌کند.

در خروج ۳۴، نشانه‌ی عهد موسی، سبت است. وقتی صحبت از جهان‌شمولی می‌شود، چقدر مناسب است که آسمان‌ها بارانی را فراهم کردند که به نوبه‌ی خود، خانواده‌های انسانی را نابود کرد. به ما گفته شده است که اکنون ما در ابرها رنگین‌کمانی داریم.

این نشانه‌ای برای همه نسل‌های آینده است. چگونه باید بفهمیم که این کمان یا رنگین‌کمان چیست؟ دو نظر و دو درک متفاوت وجود دارد. این یک سلاح است، و بنابراین خداوند سلاح خود، کمان خود را کنار گذاشته و آن را در ابرها آویزان کرده است، و از این پس روشن می‌کند که او نسبت به بشریت رویکردی صلح‌آمیز خواهد داشت.

اینکه آشتی‌ای صورت گرفته است، یا همانطور که برخی آن را درک کرده‌اند، اینکه خدا بر اساس جایگاهش به عنوان جنگجوی الهی که علیه خانواده بشری جنگیده است، به تصویر کشیده شده است. می‌توان گفت که او علیه قتل و علیه خشونت جنگیده است. بنابراین، شما دو راه برای نگاه کردن به آن دارید، اما نکته این است که دیگر بارانی از ابرها نخواهد بارید یا از آب‌های زیرزمینی فوران نخواهد کرد تا سیلی ایجاد کند که بشریت را نابود کند.

دوباره، در آیه ۱۶ به ما گفته شده است که این یک عهد ابدی بین خدا و همه موجودات زنده است. این نشانه عهد است. حال، وقتی به آیه ۱۸ می‌رسیم، در آیات ۱۸ و ۱۹ توصیفی داریم، تکرار فرزندان نوح، سام، حام و یافث.

این موضوع ما را برای آنچه در فصل دهم خواهیم یافت، آماده می‌کند، جایی که شجره‌نامه این سه پسر سام، حام و یافث، را داریم. آنچه در ذهن نویسنده و خواننده است این است که این خدمه هشت نفره در کشتی، تأمین‌کنندگان جدید خانواده‌هایی خواهند بود که خدا قصد برکت آنها را داشته است. با توجه به این موضوع، در فصل یازدهم خواهیم دید که ابراهیم، آن خانواده خاص، است.

بنابراین، در آیات ۱۸ و ۱۹ می‌بینیم که پسران نوح که از کشتی بیرون آمدند، سام، حام و یافث بودند. حال در نسخه من، نسخه بین‌المللی جدید، جمله‌ای که در ادامه می‌آید داخل پرانتز است. این جمله اطلاعات تکمیلی در مورد حام و کنعان به ما می‌دهد.

کنعان، پسر حام، در اینجا به عنوان پدر حام، پدر کنعان توصیف شده است. و بنابراین، البته، این برای خوانندگان سفر پیدایش بسیار مهم خواهد بود، به خصوص اگر حق با من باشد، که دریابیم که سفر پیدایش توسط اولین مخاطبانش بر اساس مخاطبان موسی در بیابان درک شده است، و اینکه تورات قرار است ما را در درک سفر پیدایش به عنوان مقدمه‌ای برای آموزه‌های اسفار پنجگانه هدایت کند. بنابراین نگرانی ویژه در اینجا در مورد کنعان بوده است زیرا قرار بود قوم اسرائیل به سرزمین موعود کنعان بروند و کنعانیان گروه قومی جدیدی نسبت به بنی‌اسرائیل بودند که از مصر بیرون آمدند.

و آنها باید چه برداشتی از این گروه قومی جدید داشته باشند؟ چگونه باید کنعانیان را درک کنند؟ بنابراین، آنچه در ادامه این روایت از مستی نوح و سپس نفرین و برکتی که بر پسران نوح نازل می‌شود، خواهد آمد برای قوم اسرائیل بسیار آموزنده خواهد بود، زیرا آنچه در ادامه همراه با فصل 10 و جدول ملل خواهیم یافت، نقشه‌ای از ماهیت اخلاقی این گروه‌های قومی مختلف است. درک کسانی که به آنها فساد اخلاقی داده شده است، به عنوان هشدار برای هرگونه ازدواج یا تعامل با مردم کنعان، کنعانیان، عمل خواهد کرد بنابراین، وقتی به آیات 20 تا پایان فصل می‌رسیم، توصیفی از نوح خواهیم یافت که با رفتار درست نوح قبل از ترویج و حمایت از طوفان در تضاد است.

در حالی که اکنون، وقتی به نوح می‌رسیم، می‌بینیم که او در مستی فرو می‌رود، شهوت‌ران و برهنه است. و بنابراین، آنچه این به ما یادآوری می‌کند همان چیزی است که قبلاً در مورد چگونگی توصیف وعده خدا مبنی بر نابودی زمین توسط سیل در فصل ۸ در پایان آن فصل گفته شد، زیرا از کودکی او، یعنی از آغاز خلقت بشریت، از روایت باغ، روایت گناه که بشریت به گناهکاری و شرارت داده شده است. و اینجا آن را داریم.

به عبارت دیگر، با نوح، درست مانند قبل از طوفان در باغ عدن، ما همان مشکل گناه قدیمی را داریم که در دنیای جدید نیز بیداد خواهد کرد. بسیاری از اوقات، نوح را می‌توان آدم جدید دانست. گذشته از همه اینها، او جد همه اقوام است.

درست مانند نوح، یا بهتر است بگوییم آدم و حوا. همچنین، متوجه خواهید شد که در آیه ۲۰ آمده است که او مردی از خاک است، همانطور که در مورد آدم نیز همینطور بود. هر دوی آنها کشاورز خاک بودند.

ممکن است بین تاک نوح که شراب درست می‌کرد و انگور، درخت یا محصول زمینی که آدم و حوا روی آن افتادند، ارتباط طعنه‌آمیزی وجود داشته باشد. بنابراین، چیزی که می‌خواهم بگویم این است که به طور طعنه‌آمیز، درختی در تاکستان وجود داشته که در سقوط هر یک از این دو، آدم اول و حالا این آدم جدید نقش داشته است. همچنین، در پسران آنها رقابت وجود دارد.

ما قابیل و هابیل و قتل علیه هابیل را داریم. و بعد شیث را داریم. بنابراین، سه پسر در روایت کتاب مقدس نام برده شده‌اند.

وقتی صحبت از نوح می‌شود، سه پسر نیز وجود دارند و همانطور که در آیه ۲۴ خواهیم دید، رقابت وجود دارد. پس از آن، حام در مقابل برادران ظاهر می‌شود. حال، در آیه ۲۱، به ما گفته می‌شود که نوح شراب را می‌نوشد و مست می‌شود.

و سپس او خود را در میان چادرش برهنه می‌کند. و بنابراین، چیزی که در این مورد داریم، شباهتی است که وقتی در مورد چگونگی برهنه خوابیدن او در داخل چادرش صحبت می‌شود، با درختی که در میان آن بود وجود دارد. این کلمه‌ای است که اینجا در داخل چادرش استفاده شده است. و سپس در میان باغ، درخت خیر و شر قرار داشت.

و احتمالاً اینجا یک ارتباط عمده وجود دارد. حال، حام، پدر قابیل، برهنگی پدرش را دید و به دو برادرش در بیرون گفت. آنچه در اینجا در حال اجرا است، فرمان پنجم است.

پنجمین فرمان از ده فرمان، احترام به والدین، پدر و مادر است. و این به این دلیل است که خداوند به والدین اختیار داده است تا خانواده را در راه خداوند پرورش دهند. بنابراین وقتی به پدر و مادر حمله می‌کنید، در واقع به خدا حمله می‌کنید.

و بنابراین، اگرچه برای ما دشوار است که بدانیم حام برهنگی را دید و سپس در مورد آن غیبت کرد، اما این کار باعث لعنت شدن او شد. از نظر خوانندگان اولیه پیدایش، این کاملاً منطقی است زیرا در فرهنگ آنها بر سنت وفاداری به خانواده، احترام به والدین، به رسمیت شناختن اقتدار والدین و اطاعت از دستورالعمل‌های والدین تأکید می‌شود، همه با این فرض بسیار مهم که والدین مطابق با خرد، ترس از خداوند زندگی می‌کنند خودشان در راه‌های خداوند زندگی می‌کنند و سپس خانواده خود را رهبری می‌کنند و سپس بر قبیله و در نهایت قبیله تأثیر می‌گذارند تا آنها را در میراثی به سوی احترام به خدا هدایت کنند. بنابراین، با غیبت کردن، متوجه می‌شوید که وسیله‌ای برای تحقیر نوح و آن دودمان اقتدار وجود داشته است.

حال، در آیه ۲۳، ما شاهد یک تضاد قابل توجه بین رفتار قابیل با نوح و رفتار دو برادر، سام و یافث هستیم. حال، کاری که آنها انجام دادند این بود که اقدامات بیشتری انجام دادند تا مطمئن شوند که حتی به برهنگی پدرشان نگاه نمی‌کنند. بنابراین، آنها یک جامه، که در ذهن خود می‌توانید یک پتو تصور کنید برداشتند و آن را روی شانه‌های خود انداختند، در حالی که صورتشان به سمت بیرون و به سمت در چادر بود، و سپس عقب می‌رفتند تا نگاهشان از نوح برگردانده شود.

و این چیزی است که در آیه ۲۳ داریم، جایی که می‌گویید، سپس آنها از عقب وارد شدند و برهنگی پدر خود را پوشاندند. و متنی که می‌بینید کاملاً مشخص است که تأکید می‌کند آنها برهنگی او را ندیدند. روی آنها به سمت دیگری بود تا برهنگی پدرشان را نبینند.

حالا، چون به تفاوت‌های فرهنگی فکر می‌کنم، تعدادی از مفسران سعی می‌کنند گناه حام را حتی فاحش‌تر از آنچه خود متن می‌گوید جلوه دهند، زیرا از دیدگاه فرهنگی ما، درک این موضوع که چگونه مسخره کردن پدر به خاطر برهنگی‌اش می‌تواند چنین واکنش سختی از سوی پدر داشته باشد، دشوار است. منظورم این است که، گذشته از همه اینها، این را در نظر بگیرید: یک پدر قرار نیست پسرش را نفرین کند. او می‌خواهد پسرش را برکت دهد.

او می‌خواهد پسرش را در زیر دست خدا برکت ببیند، نه اینکه او را نفرین کند. بنابراین، این یک واکنش بسیار شدید به حام خواهد بود. پس بیایید این گناه را بدتر از آنچه در متن آمده است، جلوه دهیم.

و برخی گفته‌اند که آنچه در اینجا در کار است نوعی عمل همجنس‌گرایانه است. یا اینکه عبارت «آشکار کردن برهنگی خود»، همانطور که در لاویان ۱۸ آمده است، شاید از جانب نوح نوعی بی‌احتیاطی جنسی در چادر رخ داده باشد. اما آنچه در اینجا آمده برای درک ما کافی است، و آن این است که او برهنه بود.

مسئله فقط برهنگی نبود، بلکه نحوه‌ی واکنش حام با تمسخر علنی آسیب‌پذیری نوح بود. بنابراین، با در نظر گرفتن این موضوع، می‌خواهیم مشکل دومی را که ما به عنوان مفسران در فرهنگ خود داریم، بررسی کنیم. در مورد کنعان به عنوان موضوع دعا، لعنت بر کنعان، همانطور که در آیه ۲۵ می‌بینیم، چه باید بکنیم؟

چرا اگر حام کسی است که مرتکب بی‌احتیاطی علیه پدرش شده است، چرا نفرین متوجه پسر حام، کنعان می‌شود؟ خب، فکر می‌کنم چیزی که اینجا در کار است، همانطور که ضرب‌المثل می‌گوید، این است که پدر مانند پسر است. فرضی وجود دارد که می‌توان آن را از طریق داستان‌های خانوادگی کتاب مقدس به خوبی تأیید کرد، مبنی بر اینکه نسل‌های بعدی اغلب گناهان والدین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های خود را تقلید می‌کنند. این یک مسئله قومیتی نیست، بلکه یک مسئله اخلاقی است که منجر به اخراج از باغ عدن می‌شود.

و سپس، همانطور که در اینجا می‌بینیم، نفرینی که علیه کنعان، در میراث آنها، هام کنعان، اعمال می‌شود ما را به یاد قابیل و چگونگی اخراج او از منطقه خود به سمت شرق می‌اندازد. بنابراین، این موضوع قومیت

نیست، بلکه رفتار اخلاقی به دلیل فرهنگ کنعانی است، همانطور که در لاویان ۱۸ و همچنین لاویان ۲۰ می‌خوانیم. مکان‌های زیادی وجود دارد که فرهنگ کنعانی، فساد جنسی کنعانی‌ها را توصیف می‌کند.

به عبارت دیگر، آنچه ما اینجا داریم، در لعنت و برکت، نقشه‌ای است که نه در درک قومیت، بلکه در درک فساد اخلاقی گروه‌های مختلف مردمی که از نژاد حام ظهور کردند، مفید خواهد بود. بنابراین، به ما گفته شد که این ارتباط وجود دارد، اما شما محکوم به تقلید از گناهان والدین خود نیستید. ما از دو اشاره در کتاب مقدس می‌دانیم که مسئولیت شخصی وجود دارد، اینکه شما از عواقب رفتار خودتان رنج می‌برید، نه به دلیل رفتار والدینتان.

اگرچه، همانطور که اشاره کردم، این تأثیر بسیار زیاد است، اما از پیش تعیین شده نیست. ارمیا ۳۱ آیات ۲۹ و ۳۰ و سپس حزقیال فصل ۱۸ آیات ۲ تا ۴ از مسئولیت فردی افرادی صحبت می‌کنند که والدین خود را به خاطر عواقب وضعیت گناه‌آلود شخصی خود سرزنش می‌کردند. بنابراین می‌توانیم ببینیم که چرا کنعانیان منافع خاصی داشته‌اند، زیرا اشاراتی به خوبی مستند در کتاب مقدس به مبارزات مداوم بین اسرائیل و کنعانیان و چگونگی وقوع ازدواج‌های بین قومی وجود دارد.

میزان تعامل بین کنعانیان و بنی‌اسرائیل به حدی بود که بنی‌اسرائیل بسیاری از ایده‌های کنعانی را پذیرفتند و جذب کردند، مانند آنچه در شرک، پرستش بت‌ها، چندهمسری و آنچه در انواع انحرافات جنسی خواهید یافت. و در نتیجه، آنها نیز، درست مانند کنعانیان، اسلاف بنی‌اسرائیل، خود بنی‌اسرائیل نیز طرد شدن را تجربه خواهند کرد. حال، بیایید به ایده بسیار مهمی که در شرح این نیایش یافتیم، پردازیم.

به ما گفته شده که کنعان نفرین شده است. و سپس در آیه ۲۶، نوح به خداوند برکت می‌دهد، نه مستقیماً به سام و یافث، بلکه او خداوند را متبرک می‌کند. من فکر می‌کنم نوح به درستی می‌داند، همانطور که از سیل جان سالم به در برده است، که خداوند سرنوشت سام و یافث را تعیین خواهد کرد.

و بنابراین، این یک تلاش از پیش تعیین شده نیست، بلکه یک فراخوان است. این یک دعا است. بنابراین، او در آیه ۲۵ از خدا می‌خواهد که کنعان نفرین شود.

و سپس او به طور خاص در آیات ۲۶ و ۲۷، این را کاملاً روشن می‌کند، به عنوان برکتی برای خداوند. و آنچه در اینجا داریم یک سلسله مراتب است. متوجه خواهید شد که کنعان پست‌ترین برده است.

او برای برادرانش خواهد بود. و سپس آنچه در ادامه می‌آید، رابطه یافث و رابطه یافث با هر یک از برادرانش است. ابتدا در آیه ۲۷، باشد که یافث در خیمه‌های سام ساکن شود.

و آنگاه کنعان ممکن است برده او باشد، یا می‌توان آن را به عنوان برده آنها ترجمه کرد. بنابراین سلسله مراتب این است که یافث تابع سام خواهد بود و سپس حام تابع هر دوی آنها. این موضوع در تاریخ بشر شرح داده خواهد شد.

و خواهیم دید که همانطور که داستان آشکار پیدایش را داریم، این مبارزه بزرگ بین حام‌ها و همچنین شمی‌ها را که در پی آن خواهند آمد، کشف خواهیم کرد. و از شمی‌ها، برکت خدا از طریق ابراهیم، تنها خانواده برگزیده و منتخب برای به ارمغان آوردن این برکت برای همه مردم، بر همه مردم نازل خواهد شد. و سپس در پایان فصل متوجه خواهید شد که پس از فصل نهم، نتیجه‌گیری روایت طوفان نوح را داریم.

این موضوع در آنچه در فصل پنجم کشف کردیم، تکرار خواهد شد. بنابراین، اگر می‌خواهید موضع خود را در آنجا حفظ کنید، بیاید به فصل پنجم و نحوه پایان آن نگاهی بیندازیم. در اینجا ما این شجره‌نامه را داریم که خطی است و از هر نسل یک نفر نام می‌برد.

و می‌بینیم که بسیار تصنعی است. گفته می‌شود هر کدام در سن معینی می‌میرند. و این ترجیع‌بند را داریم، و بعد او مُرد، بعد مُرد، بعد مُرد.

و در آیه ۳۲ به نوح می‌رسیم. پس از اینکه نوح ۵۰۰ ساله شد، پدر سام، حام و یافث شد. اما چیزی که شامل نمی‌شود، چیزی که شامل نمی‌شود زبانی است که برای هر یک از پیشینیان نوح استفاده می‌شود، اینکه او پسران و دختران دیگری داشت، اینکه روی هم رفته تعداد مشخصی سال زندگی کرد و سپس مرد.

کجا این را پیدا می‌کنیم؟ ما آن را در فصل نهم، آیات ۲۸ و ۲۹ می‌یابیم. پس از طوفان، نوح ۳۵۰ سال زندگی کرد. در مجموع، نوح ۹۵۰ سال زندگی کرد و سپس درگذشت.

ببینید، این نتیجه‌گیری شجره‌نامه‌ای است که در فصل پنجم آمده است. بنابراین، در واقع، این به این معنی است که این روایت طولانی از روایت سیل، به نظر شما، در درون شجره‌نامه‌ی فصل پنجم قرار گرفته و سپس در پایان فصل نهم به پایان می‌رسد. بنابراین، چیزی که ما داریم این است که روایت، توضیحی از شجره‌نامه ارائه می‌دهد و به نوبه خود، شجره‌نامه به ما کمک می‌کند تا اهمیت روایت را درک کنیم.

ما می‌دانیم که نوح، در سنت یهود، شخص بسیار مهمی در طوفان نوح بود، و سنت یهود معتقد است که نوح نماینده برجسته‌ای از پارسایی بود و نوح، به نوعی، پارسایی را با پیشگویی به مردم زمان خود ابلاغ کرد می‌دانید، نکته قابل توجه در مورد نوح این است که ما هرگز در روایت پیدایش از نوح چیزی نمی‌شنویم تا زمانی که او برای اولین بار در قالب نفرین و برکت برای پسرانش صحبت می‌کند. اما وقتی به عهد جدید می‌رسیم، می‌بینیم که پیدایش با آنچه در عهد جدید می‌یابیم، تکمیل می‌شود، اگر در دوم پطرس فصل ۲ آیه ۵، توصیفی از نوح به عنوان واعظ پارسایی بیاید،

بنابراین، این منطقی است، نه، که او درگیر یا در حال گمانه‌زنی بوده باشد، اما او، منظورم این است که یک کشتی آب ساخته و ادعا می‌کند که قرار است یک فاجعه جهانی رخ دهد، و سپس انتظار داریم که او به عنوان واعظ عدالت شناخته شود. بنابراین، اگر دوم پطرس ۲ آیه ۵ و فصل ۳ آیه ۶ را در نظر بگیرید، این آیات، داوری علیه معلمان شرور زمان پطرس و تیرئه یا نجات مسیحیانی را که با این معلمان دروغین شرور مخالفت می‌کنند، به تصویر می‌کشد. بنابراین، می‌توانید ببینید که روایت سیل به عنوان نمونه‌ای عالی از داوری خدا علیه شریکان عمل خواهد کرد.

در اول پطرس فصل ۳، آیات ۲۰ تا ۲۱ به نوح اشاره دارد. نوح مطابق برداشت پطرس، معادل مسیح در زمان حال، یعنی عصر آخرالزمان است. به عبارت دیگر، آخرالزمان در ذهن پطرس در جریان بود و او از این تشبیه نوح و داوری خدا استفاده کرد که یک زمان آخرالزمانی در پایان جهان توسط مسیح به وقوع خواهد پیوست.

وقتی صحبت از نجات نوح با اشاره به رستاخیز می‌شود، او غسل تعمید را توصیف می‌کند. غسل تعمید در آب به معنای مرگ است. فرو رفتن در آب نشان دهنده مرگ معنوی است، درست همانطور که نوح مرگ فیزیکی را در یک نماد تجربه کرد و از این رو مرگ معنوی را در یک نماد تجربه کرد.

سپس، بیرون آمدن از کشتی نجات، نشانگری است که دوباره با نماد، با تصویر، یک زندگی جدید، زندگی‌ای که همه مردمان زمین را تولید خواهد کرد، به تصویر کشیده شده است. و بنابراین، نوح آنگاه به عنوان

نمونه‌ای مثبت از حفظ قوم خدا، مسیحیان، چه در مقاومت در برابر آموزه‌های شیطانی گمراه‌کننده و ظلم آن، و چه با پیوستن به تصویر غسل تعمید، دیده می‌شود، که چگونه مسیحیان در زمان‌های آخر توسط مسیح حفظ خواهند شد. دفعه بعد، در جلسه نهم، به شرح بعدی، روایت سام، حام و یافث، در فصل ۱۰ خواهیم پرداخت.

اینها نسل‌ها خواهند بود و این شامل جدول ملل نیز می‌شود. در فصل ۱۱، داستان برج بابل به همراه جدول ملل خواهد بود.

این دکتر کنت متیوز در تدریس خود در مورد کتاب پیدایش است. این جلسه ۸، نوح و سیل، بخش ۲، پیدایش ۹:۶-۹:۲۹ است.